

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

دوره - بیست و نهم

شماره - ۶

شماره ششم  
شهر یورماه ۱۳۳۹

# آنگاه از مجموعه

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

( مؤسس : مرحوم وحید دستگردی )

( صاحب امتیاز و نگارنده : وحیدزاده - نسیم دستگردی )

بقلم : آقای ابراهیم صفائی

## يك كتاب و صد غلط

در ایام اخیر بمطالعه نوزدهمین نشریه «مجموعه ایران شناسی» توفیق یافتم ، این نشریه « کتاب جنگهای ایران و روم » ترجمه آقای «محمد سعیدی» است که از طرف «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» بطبع رسیده است .  
ببین دانست بنگاه ترجمه و نشر کتاب در چاپ و نشر مجموعه ایران شناسی خدمتی شایسته را بعهده گرفته و اغلب نشریات ایران شناسی بنگاه مزبور از نظر آشنائی بیشتر با تاریخ و فرهنگ و هنر ایران مفید واقع شده است .

متأسفانه در کتاب جنگهای ایران و روم سه عیب بزرگ بنظر میرسد :

- ۱- در بسیاری از موارد در ترجمه مطلب از متن اصلی بزبان فارسی مسامحه شده و بعضی از نامها و کلمهها درست بامفهوم فارسی آن تطبیق نگردیده است .
- ۲- در ترکیب و جمله بندیهای کتاب قواعد زبان فارسی درست ملحوظ نشده و در خیلی از صفحات کتاب ترکیب غلط و جمله بندیهای نادرست بنظر میرسد گاهی با «تتابع اضافات» و «حذف ضمیرها و فعلها» و «فقد روابط» یا «تکرار روابط»

و بی ترتیبی «مبتدا و خبر» و عدم تطبیق «موضوع و محمول» اسلوب فارسی نویسی بصورت مسخ شده‌ئی درآمده است.

البته این نوع نویسندگی تازگی ندارد بعضی مجله‌های مبتذل هفتگی و بعضی روزنامه‌های بی ارزش سطح نویسندگی را بقدری پائین برده‌اند که شیوه نشر کتاب جنگهای ایران و روم را باید شیوه‌ئی فصیح بشمار آورد! البته بر روزنامه‌ها و مجله‌های مزبور بحثی نیست اما چون این کتاب جزو کتاب‌های بازاری نیست و از طرف بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر شده و بر نشریات بنگاه مزبور اشخاص فاضل نظارت میکنند، نمیتوان سهل انگاریها و غلط نویسی‌های آن را نادیده گرفت.

۳- مطالب کتاب بیش از آنچه بتاریخ ایران مربوط باشد بتاریخ روم پیوستگی دارد و مجموعاً بیش از يك سوم مندرجات کتاب مربوط بتاریخ ایران نیست، آنهم متأسفانه چندان کمکی بروشن شدن تاریخ جنگهای روم و ایران نمی‌کند، بدتر از همه این است که نویسنده کتاب «پرو کوپیوس» خود در ارتش روم علیه ایران جنگ میکرده و گفته‌های او در بسیاری از موارد بغض و غرض وی را نسبت بایرانیان آشکار میسازد.

مؤلف به «قباد» و «خسرو» (انوشیروان) پادشاهان ساسانی بدترین نسبت‌ها را داده و کاملاً آثار غرض از گفته‌های او مشهود است.

اینک ده نمونه از معایب کتاب جنگهای ایران و روم نقل میشود و برای مزید توجه خوانندگان در ذیل هر نمونه توضیحی اضافه میکنم و مطلب کتاب را روشن می‌سازم.

(۱) صفحه ۱۰۶- مقارن همین ایام «قباد» سخت بیمار گردید و یکی ازندمای خود موسوم به «موبد» را نزد خویش طلبید.

(۲) صفحه ۱۱۴- به «زابر گان» فرمود تا «موبد» را بحضور وی بخواند، قضا را «زابر گان» سابقه دشمنی باموبد داشت و وقتی بنزد وی رسید دید که سرگرم مشق دادن سپاهیان خود میباشد.

## توضیح :

ما میدانیم که «موبد» عنوان روحانیان زرتشتی است که در دربار ساسانیان نفوذ داشته و مورد احترام بوده‌اند ولی مؤلف یا مترجم کتاب (یا هر دو) اشتباه کرده در صفحه ۱۰۶ - او را ندیم «قباد» و در صفحه ۱۱۴ وی را فرمانده سپاه معرفی کرده‌اند ! - در حالیکه فرمانده سپاه را «اسپهد» می‌گفته‌اند.

۳- صفحه ۱۸- «ارکادیوس» امپراتور روم هنگام وفات خود در شهر «بیزانتیوم» طفل خردسالی داشت که هنوز بسن بلوغ نرسیده بود !.

## توضیح :

جمله «بسن بلوغ نرسیده» توضیح واضح و حشو قبیح می‌باشد ، زیرا معلوم است که طفل ، آنهم ، خردسال، آنچنان کسی است که بحد بلوغ نرسیده است ، حالا اگر مترجم محترم طفل خردسالی را بشناسند که بحد بلوغ رسیده باشد امر دیگری است .

۴- صفحه ۱۹- چون بهرام او را دید و پس از استفسار از اطرافیان خویش دانست که وی سردار نامی رومی است .

## توضیح :

کلمه «چون» در اینجا ازادات فوریت است یعنی «بمحض اینکه» بهرام او را دید و حرف «واو» هم زائد می‌باشد و جمله «پس از استفسار» مخل معنی است زیرا هر گاه بگوئیم بهرام بمحض ملاقات سردار رومی او را شناخته است دیگر جمله «پس از استفسار» معنی ندارد و اگر پس از استفسار او را شناخته کلمه «چون» بی معنی است و حرف «واو عطف» هم بهر حال زائد و بی‌مورد بکار رفته است .

۵ - صفحه ۱۷۵- خسرو چون این سخنان را شنید شاداب گشت .

## توضیح :

شاداب بمعنی سیراب و تروتازه و بهر حال صفت گیاه ورستنی‌ها است ، مترجم

کلمه «شاداب» را بجای «شاد» بکار برده که بمعنی خوشحال میباشد .

۶- صفحه ۱۱۱ - خسرو پسر قباد طرز فکر عجیبی داشت و بی اندازه مایل بچیزهای تازه و بدعتهای نوظهور بود بهمین جهت هم خود او نسبت بدیگران سوء ظن داشت !؟ .

### توضیح :

این دوسطر از حیث لفظ و معنی سراپا غلط است ، زیرا اولاً تمایل بتازگی‌ها چیزی نیست که به «طرز فکر عجیب» تعبیر شود ثانیاً کلمه «نوظهور» بعد از «بدعت‌ها» حشو است ثالثاً کلمه «جهت» بمعنی لغوی و صحیح بکار نرفته است رابعاً بین مقدمه و نتیجه هیچ رابطه معنوی و فصل مشترکی وجود ندارد ! زیرا داشتن فکر نو و تمایل بتازگی‌ها چیزی نیست که در شخص سوء ظن ایجاد کند و باید گمانی ارتباطی ندارد .

۷- صفحه ۱۲۶- «ستیا س» شمشیر از نیام کشید و عازم بازگشت بسوی دیگر گودال گردید ، لیکن دشمن مجال فرار باو نداد و یکی از سربازان با شمشیر خود ضربتی بفرق او نواخت چنانکه موهای سراو همه ریخت!؟ .

### توضیح :

این دوسطر نظیر شعرهای بی معنی «ملاها تقی» است ، وقتی مترجم میگوید «دشمن باو مجال فرار نداد و چنان شمشیر بفرق او زد . .» خواننده منتظر است که بداند ضرب شمشیر دشمن «ستیا س» را بچند پاره کرده است ولی مترجم با آن مقدمه يك مرتبه میگوید «تمام موهای سراو ریخت!» اگر ضرب شمشیر بفرق وارد شده باید فرق را میشکافت ، پس شمشیر بر موی سراو اصابت کرده نه بفرق سر و شاید هم تیغ دلاکی بوده و الا شمشیر چگونه میتواند تمام موی سر را بریزد ! آنهم بایک ضربه! کلمه «موها» هم صحیح نیست و «موی‌ها» بایست گفت زیرا اصل این کلمه در لغت و در اصطلاح ادب با «ی» ضبط شده است .

۸- صفحه ۱۰۶- خود را بطور ناشناس در میان دشمن میانداخت .

## توضیح:

«انداختن» در اینجا بمعنی راه جستن بکاررفته و چون در مفهوم دو کلمه فرق بسیار میباشد و «استعاره» و «مجاز» هم در اینجا مورد ندارد باید گفت این کلمه هم بغلط استعمال شده است.

۹ - صفحه ۱۴۸ - پس در حینی که ایرانیها از ترس خسرو که خود را میان آنان افکنده بود و بفریاد بلند مردان را بجنگ تحریک میکرد، بدلیری و نیروی رِق العاده می جنگیدند و حتی يك لحظه بدشمن مجال نمیدادند که خود را از آسیب تیرهای بی حسابی که بسرشان می بارید محفوظ نگاهدارند و در حالیکه رومیان نیز باهم فریاد بر آورده بودند و با کوشش بسیار از خود دفاع میکردند، ناگهان طنابی که الوارها را بآن بسته بودند طاقت تحمل آن همه فشار را نیاورد پاره شد !!

## توضیح:

این طرز جمله بندی و ذکر چندین «جمله معترضه» متوالی و تتابع جمله های اضافی رابطه «مبتدا و خبر» را بکلی قطع کرده و انصافاً این طرز نویسنده گوی حتی برای مبتدیان زبان فارسی هم شایسته نیست و درست شبیه بشعرهای نوپردازان میباشد که رابطه لفظی و معنوی کلام در آن نامعلوم است.

۱۰ - صفحه ۱۵۲ - خسرو در پوشیدن حقیقت و نسبت دادن گناهان خویش بکسانی که دچار آزار و ستم اوشده بودند از همه مردم چیره دست تر بود، بعلاوه برای انجام هر کاری باسانی سو گند یاد میکرد و بعد بهمان آسانی عهد و پیمان خود را می شکست و کاری را که تعهد کرده بود بزودی فراموش می نمود.

حرص او بیول بقدری زیاد بود که برای تحصیل آن درمبادرت بهر کار زشت

و ناشایسته دریغ نمیکرد.

## توضیح :

در سراسر این کتاب هتاکی‌ها و اهانت‌های بسیار پادشاهان ساسانی شده که نمونه آن اهانتها چند سطر مطالب بالا است .

نکته دیگر که قابل تذکر است این می‌باشد که مترجم محترم نامهای بزرگان ایران و روم و پهلوانان جنگ را عیناً ترجمه کرده و غالباً سمت و عنوان آنها ذکر نشده و برای خواننده کتاب شناسائی آنها مشکل است ، درحالیکه پهلوانهای هر کتاب و هر تاریخی باید معرفی شوند و مترجم باید بر کتاب خود حاشیه‌هایی بنویسد ، مثلاً در تاریخ جنگهای « انوشیروان » همه‌جا نام « انوشیروان » طبق متن اصلی « خسرو » ترجمه شده و لازم بود برای اطلاع خوانندگان لااقل يك دفعه توضیح میداد که مراد از « خسرو جانشین قباد » انوشیروان می‌باشد که وی را « خسرو اول » می‌گفته‌اند .

یا خوب بود توضیح میداد که « ستیاس » سفیر نظامی « ژوسی تین » امپراتور روم بود و بهمین قسم اغلب اسامی برای خوانندگان مجهول است و معلوم نیست چه کسانی بوده‌اند و در جنگها چه نقشی داشته‌اند .

با این توضیحات اساساً من معتقدم که ترجمه و نشر چنین اثری که بقلم یکنفر دشمن و مغرض تحریر شده بر خلاف شئون ملی ما می‌باشد و الحق بنگاه ترجمه و نشر کتاب در طبع و توزیع این کتاب از هر حیث مرتکب غفلت شده و امید است از این پس در انتخاب و ترجمه و نشر کتاب دقت بیشتر مبذول دارند .

مکن نماز بر آن هیچکس که هیچ نکرد

که عمر در سر تحصیل مال کرد و نخورد

سعدی